

میلیاردر جوان

ثروت آفرینی



میلیاردر جوان

مسیر ثروت‌مندی (مرحله اول)

میلیاردر جوان

میلیاردر جوان | ویرایش دوم



این کتاب برای همه کسانی که عزم موفقیت و ثروتمندی دارند مفید است و می تواند به تدریج باعث تغییر در نوع نگرش آنها شود. (انتشار این کتاب در اینترنت و شبکه های اجتماعی بلامانع است.)

گروه میلیارد در جوان

مسیر ثروتمندی (مرحله اول)

(برای همه)

نویسنده: علی رضائی

Ali.rezaei593@gmail.com

سردبیر گروه میلیارد در جوان

نام کتاب: مسیر ثروتمندی (مرحله اول)

مخاطبین: کلیه مردم

نویسنده: علی رضائی

تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۹۳

منتشر کننده: گروه میلیارد در جوان

فهرست

۶ مقدمه
۹ مرحله اول
۱۰ بهای ثروتمند شدن چقدر است؟
۱۱ خودشناسی مقدمه ای برای ثروتمندی
۱۲ آیا همه می توانند ثروتمند شوند؟
۱۴ اصول مسیر ثروتمندی
۱۶ تمرین ۱: چرا میخواهید ثروتمند شوید؟
۱۷ تمرین ۲: چرا باید ثروتمند شویم؟
۱۸ تمرین ۳: قانون پارکینسون
۱۹ ترک دژهای قدرتمند ذهنی و ورود به دنیای جدید
۲۲ باورها و نقش آنها در زندگی
۲۳ علت چه بود؟
۲۴ شکل گیری باورها
۲۷ تصویر ما از خودمان
۲۸ تصویر پول در ذهن
۲۹ پایان مرحله اول
۲۹ شروع مرحله دوم

مقدمه

میلیونها نفر از مردم کره زمین معتقدند محکوم به فقر، شکست و ناکامی هستند. آنها گمان می کنند شرایط زندگیشان برایشان مقدر شده و هرگونه تلاشی برای خارج شدن از فقر و شکست ، تلاشی بیهوده خواهد بود . آنها خود را بدشانس یا بدون پشتوانه می دانند. آنها نمی توانند باورکنند که با **تغییرات کوچک و مرحله به مرحله در باور و نحوه نگرششان** ، می توانند تغییرات بزرگی را در زندگیشان به وجود آورند.

آنها تسلیم شرایط هستند و در دنیائی که روز به روز عرصه بر فقرا تنگ و تنگ تر می شود ، دانسته های خود را کافی می دانند و بر باورهای خود اصرار دارند.

آنها دائما در حال **توجیه** ناکامیهای خود هستند و خود را مسئول زندگی و شرایط خود نمی دانند. از نظر آنها شرایط سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و حتی دیگران مقصر ناکامیهای آنها هستند. آنها چون خود را مسئول نمی دانند و با فکر شکست قدم در هر راهی می گذارند ، شکست می خورند و این دور ادامه دارد.

این افراد معمولا هدفی در زندگی ندارند و به زندگی به عنوان مدت زمانی می نگرند که خوب یا بد می گذرد و با این نگرش زندگی خود را صرف تکرار روزمره گی های بیهوده و بی اثر کرده و انگیزه ای هم برای بهتر زیستن و مفیدتر بودن ندارند. برخی از آنها تغییر لباس و چهره هم می دهند تا خود را بهتر از آن چیزی که هستند نشان دهند ولی چون هیچ پشتوانه ای برای آنچه که خود را نشان می دهند ندارند نمی توانند به وضعیتی بهتر از وضعیت امروزشان دست یابند.

آنها نمی دانند از زندگی چه می خواهند ، چه کاری را باید انجام بدهند ، نا آگاهیها و ضعفهایشان چیست ، به کجا می خواهند بروند و اصلا زندگیشان را از کجا می بایست شروع بکنند. آنها مانند کلاف سردر گم به دور خود می پیچند و همه چیز و همه کس به جز خودشان را مسبب شرایطشان می دانند و اگر به آنها گفته شود مقصر نابسامانی زندگیتان

خودتان هستید به هر بهانه و توجیهی برای بی تقصیر بودنشان متوسل می شوند. این افراد اکثر قریب به اتفاق افراد هر جامعه و هر کشوری را تشکیل می دهند.

بله هر کشوری! فکر نکنید در کشورهای پیشرفته دنیا انسانها متفاوت با شما هستند. آنجا هم انسانهای موفق و شکست خورده وجود دارد. تفاوت بارز بین ما و آنها تفاوتهای فرهنگی و اجتماعی می باشد. ولی ترس و نداشتن اعتماد به نفس و اندیشه شکست و نا آگاهی در آن کشورها هم وجود دارد. در آنجا بیل گیتس و استیو جابز و مارک زوکر برگ و... وجود دارد، کارتن خواب و شکست خورده و ورشکست شده هم وجود دارد. پس آنچه موجب تفاوت بین انسانهای موفق و ناموفق می شود، تفاوت در مکان جغرافیائی و داشتن یا نداشتن دین و مذهب، شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیست بلکه تفاوت بین برنده ها و بازنده ها فقط و فقط در نگرشها و باورهای بین آنها است.

این تفاوت در باورهاست که باعث می شود وقتی کسی با مانع یا موانعی مواجه می شود راه خود را کج می کند و بر می گردد و یا اینکه آنقدر مقاومت می کند و پافشاری به خرج می دهد تا راهی بیابد و یا بسازد.

این تفاوت در باورهاست که کسی می خواهد مطمئن پا در جای دیگران بگذارد و مطمئن گام بردارد و یا خودش شروع کننده یک حرکت باشد و پیشرو باشد. تفاوت بین شکست خوردگان، افراد معمولی و نخبگان در باورها و نگرشهایشان است. نخبگان و آنها که به ثروت و قدرت می رسند کسانی هستند که پیشرو هستند. آنها خودشان را به گام گذاشتن در راهی که دیگران قبل از آنها از آن راه رفته اند محدود نمی کنند بلکه نگرش، باور و تلاش آنها ساختن یک راه جدید است. آنها باورهای صحیح را در خود ایجاد کرده اند.

افراد مسئول و هدفمند در مقابل افراد منفعل قرار دارند و مسیر ثروتمندی را می یابند. این افراد درصد بسیار کمی از هر جامعه را تشکیل می دهند ولی آنها هستند که جامعه را به پیش می برند و همیشه پیشرو هستند. آنها با کسب مهارتهای لازم و پشتکار به پیش می روند و موانع و مشکلات را از پیش خود بر می دارند و سرآمد می شوند. آنها شکست خوردن را شکست می دهند. آنها برای خود، رقیبی جز خود سراغ ندارند.

همه ما نمونه هایی از این افراد را می شناسیم. کسانی که به عنوان انسانهای موفق در هر عرصه ای از علم، کسب و کار، کارآفرینی، ثروتمندی، ورزش و... این خصوصیات و مهارتها را در خود ایجاد کرده اند.

همه مردم دنیا راحت و بی خطر زندگی کردن را دوست دارند و بنابر این خصوصیت ذاتی، از شکست و ناکامی استقبال نمی کنند. در حالت عادی وقتی شکستها و ناکامیها در کار یا زندگی در مقابل ما قرار می گیرند، ساده ترین و منطقی ترین راه، دست کشیدن از ادامه مسیر است و اغلب قریب به اتفاق افراد همین کار را انجام می دهند در حالیکه کسانی که در مسیر موفقیت و ثروتمندی قرار می گیرند مسیر را ترک نمی کنند چون می دانند پیروزی را باید در یک قدمی بعد از شکست جستجو کنند. آنها می دانند بهای موفقیت تحمل شکستهای مقطعی است.

این گونه افراد می دانند چه می خواهند و مسیر خود را با تلاش و هوشمندی و مداومت می سازند. سخت کوشی و مداومت در کنار باور راستین به موفقیت است که موجب پیروزی آنها می شود. آنها می دانند که خواستن و آرزو کردن به تنهایی موجب موفقیت نمی شود بلکه اشتیاق و سواس گونه و هدفگذاری و برنامه ریزی دقیق و مداومت و پایداری در برابر مشکلات و ناکامیهاست که موجب ثروتمندی می شود.

آنها به خوبی خود را می شناسند و خود را در مسیری قرار می دهند که با روحیات، شخصیت و علاقمندیهایشان هم راستا باشد. آنها مسیر صحیح ثروتمندی را یا می یابند و یا می سازند. آنها می دانند که برای پیمودن صحیح و سریع مسیر ثروتمندی باید **دانش و ذهن ثروتمندی** را فرا گیرند تا در بحرانها و حوادث مسیر خود را گم نکنند. باید به شما بگویم که بسیاری از این افراد با تلاش و کوشش و زحمت بسیار و آموختن مداوم مهارتهای لازم برای دستیابی به موفقیت را آموخته اند و چون آنها توانسته اند، شما هم می توانید.

"مسیر ثروتمندی" نامی است که گروه میلیاردر جوان برای حرکت در مسیر ثروت آفرینی انتخاب کرده است. در این مسیر تلاش می کنیم آنچه را که لازمه موفقیت و ثروتمندی است مطرح کنیم و تمرینها و برنامه هائی را بصورت عملی و با برنامه زمان بندی مشخص ارائه کنیم. آنچه شما در "مسیر ثروتمندی ملاحظه خواهید کرد تجربیات و مطالعات ما و استفاده و تکمیل آن با آثار نویسندگان مختلفی مانند آنتونی رابینز، برایان تریسی، رابرت کیوساکی، تی هارو اکر، دکتر شوارتز، وین دایر و... می باشد. برای تهیه و طراحی این مسیر زحمات زیادی کشیده شده است. نحوه نوشتن متن از سبک نوشتاری هیچ یک از این نویسندگان و سخنرانان کپی برداری نشده است و کل متن توسط اعضا گروه به رشته تحریر درآمده است. در مسیر طراحی شده تلاش کرده ایم تجربیات مرتبط خود و همچنین مثالهای ملموسی که روزانه شما با آن ارتباط دارید برای فهم هر چه بیشتر مطلب ارائه شود. تمرینهای مطرح شده در هر مرحله و تاثیری که انجام آنها بر روی ضمیر ناخود آگاه می گذارند و یا مهارتی را که ایجاد می کنند بارها ثابت شده است.

مسیر ثروتمندی در ده مرحله طراحی شده است و روند آن به گونه ای خواهد بود که در هر مرحله برنامه هائی به شما داده می شود و باید در طی مدت زمان مشخص نسبت به انجام و تمرکز بر روی آنها اقدام کنید. پیگیری مرحله به مرحله و انجام برنامه ها بر اساس برنامه زمان بندی و تعلیق و تمرکز بر روی آن به تدریج باعث تغییر باور ها و نگرشتان خواهد شد چرا که جز با تغییر باورهای امروزتان نمی توانید تغییری در فردایتان ایجاد کنید برای مطالعه شناخت مسیر ثروتمندی که اولین گام در این مسیر است شما تنها ۱۰ روز فرصت دارید. ولی این مسیر را شما باید بصورت مداوم مرور کنید و تمرینهای ارائه شده را انجام دهید تا آنچه که گفته می شود ملکه ذهنتان شود. کتاب حاضر مجموعه ویرایش شده از ۱۰ قسمت اول سلسله مقالات "**مسیر ثروتمندی**" محسوب می شود. برای مطالعه بقیه مقالات می توانید به سایت مراجعه کنید.

در مجموعه "**مسیر ثروتمندی**" ما به دنبال دادن انگیزه دادن صرف به شما نیستیم بلکه تلاش ما این است که مسیر موفقیت را هم برایتان روشن و شفاف کنیم. ما تلاش می کنیم راهکار تغییر باورهایتان را به شما بدهیم. این راه را باور کنید و با ما همراه شوید.

و در خاتمه :

مسیر ثروتمندی هیچ محدودیتی را برای هیچ فردی قائل نیست. سن، جنسیت، تجربه، شغل، وضعیت مالی و هیچ پارامتر دیگری مانعی برای حرکت شما در مسیر ثروتمندی نیست. همه شما می توانید ثروتمند شوید در صورتیکه حاضر باشید بهای آن را پرداخت کنید و بهای ثروتمند شدن چیزی جز یادگیری و تجربه کردن نیست.

گروه میلیاردر جوان

مرحله اول

آیا واقعا می خواهید ثروتمند شوید؟

اگر از شما بپرسیم آیا واقعا می خواهید ثروتمند شوید؟ بدون هیچ تاملی پاسخ مثبت خواهید داد. ولی ما از شما نمی خواهیم بدون تامل پاسخ دهید. ابتدا ادامه مطلب زیر را بخوانید ، فکر کنید و بعد پاسخ بدهید.

افراد در پاسخ به این سؤال اغلب در چارچوب رویاها و آرزوهایشان پاسخ می دهند. بله! من می خواهم ثروتمند شوم . این جمله ای است که برزبانشان جاری می شود ولی در عمل ، به راستی چقدر حاضرید بهای ثروتمند شدن را پرداخت کنید؟ ثروتمند شدن و موفقیت بهای سنگینی دارد. آیا حاضرید با پرداخت این بهای سنگین ثروتمند شوید؟ احتمالا باز هم جواب شما مثبت است. پیشنهاد می کنیم تا پایان مرحله اول صبر کنید ، با اصول مسیر ثروتمندی آشنا شوید و سپس تصمیم نهائی خود را بگیرید.

احتمالا دلیل اینکه گام در مسیر ثروتمندی گذاشته اید این است که از شرایط فعلی خود راضی نیستید و خود را لایق داشتن زندگی و شرایطی به مراتب بهتر از شرایط فعلی زندگیتان می دانید . ما هم با شما هم عقیده هستیم و اعتقاد داریم همیشه راهی برای بهتر زیستن و بیشتر لذت بردن از زندگی وجود دارد ولی آیا حاضر به پرداخت بهای شرایط بهتر هم هستیم؟

بهتر است من همین ابتدای کار پاسخ بدهم که: همه می خواهند ثروتمند شوند ولی فقط تعداد معدودی حاضرند بهایش را بپردازند.

اگر منتظرید که کسی دست شما را بگیرد و مسیر ثروتمند شدن را مانند یک فرمول به شما نشان دهد و شما با استفاده از آن فرمول بتوانید به راحتی ثروتمند شوید، وقت خود را بیهوده تلف نکنید. چون مسیر ثروتمندی به تعداد انسانهای دنیا فرمول دارد و این خود شما هستید که با برداشت خود از آنچه می بینید ، یاد می گیرید ، برخورد می کنید، شکست می خورید، پیروز می شوید و خلاصه هر آنچه که در زندگی برایتان اتفاق می افتد، باید فرمولی متناسب برای موفقیت خود بیابید.

البته فرمول موفقیت و ثروتمندی اجزای مشترکی هم دارد که در آینده به آنها می پردازیم ولی این شما هستید که باید متناسب با شخصیت ، امکانات و باورهای خود و با استفاده از این اجزای مشترک ، مسیر ثروتمندی را طی کنید و مسیر

را اصلاح کنید و مسیر نهائی خود را بیابید. گاهی ممکن است نیاز داشته باشید مسیر جدیدی را بسازید. بدون تردید یافتن و یا ساختن مسیر ثروتمندی به راحتی خواندن این جملات نیست بلکه بهائی دارد که بدون پرداخت بهای آن مسیر به مقصد نخواهد رسید.

کتابها، سمینارها، نشریات، برنامه ها و مصاحبه های بسیار زیادی برای راهنمایی شما در مسیر موفقیت و ثروت وجود دارد ولی اغلب آنها برای چند ساعت یا چند روز شما را دچار انگیزش می کنند و پس از آن دوباره همان حالت روزمره گی همیشگی به سراغتان می آید. ما در این مسیر به دنبال ایجاد احساس انگیزش مقطعی نیستیم. ما تلاش می کنیم که باعث شویم شما رشد کنید. رشد شما بدون تلاش هیچ وقت اتفاق نمی افتد بنابراین تلاش ما در به هیچ عنوان به تنهائی کافی نخواهد بود ولی تلاش شما در کنار آگاهی هائی که به شما داده می شود می تواند به رشد شما منجر شود. تلاش بی وقفه و هوشمندانه شما قسمتی از بهائی است که باید برای یافتن مسیر ثروتمندی پرداخت کنید.

بهای ثروتمند شدن چقدر است؟

راههای زیادی برای ثروتمند شدن وجود دارد. دزدی، کلاهبرداری، قاچاق کردن، برنده شدن در یک قرعه کشی، کم خرج کردن و پس انداز کردن، صاحب یک ارثیه شدن، ازدواج با یک آدم ثروتمند و... ممکن است بتواند به ثروتمندی مقطعی بینجامد ولی ثروتمند شدن از راههای گفته شده جدا از تبعاتی که از لحاظ قانونی ممکن است ایجاد کند، بهای دیگری هم دارد که با پول سنجیده نمی شود و احتمالا خود شما با تبعات ثروتمندی از طریق هر کدام از این راهها آشنا هستید و چه بسا نه تنها ثروتمندی را به دنبال نداشته باشد بلکه بجای ثروتمندی تحمل مجازاتی را به دنبال داشته باشد که سالهای زیادی از عمر را به تباهی بکشاند.

بحث دیگر این است که برای ثروتمند شدن فقط بدست آوردن پول کافی نیست بلکه حفظ و توسعه آن، از به دست آوردن آن مهمتر است که در هیچ کدام از راههای گفته شده حفظ و توسعه پول یاد گرفته نخواهد شد و بنابراین هیچ کدام از راههای گفته شده به ثروتمندی پایدار نخواهد انجامید.

همه ما میدانیم یک فرد چاق بدون استفاده از یک رژیم غذایی حساب شده و ورزش مداوم نمی تواند به یک وزن متعادل و پایدار دست یابد و یا هیچ کس نمی تواند فوتبالیست تیم ملی یک کشور بشود بدون اینکه با تمرین و زحمت مداوم، از لحاظ فنی و بدنی خود را دارای مهارتی در سطح تیم ملی کند. ثروتمندی پایدار هم بدون پرداخت بهای آن و طی مسیر ثروتمندی امکان پذیر نخواهد بود.

طی مسیر ثروتمندی بدون پرداخت هزینه هائی که همیشه قابل سنجش با پول نیستند امکان پذیر نیست. بهای ثروتمند شدن تمایل برای اشتباه کردن است بدون اینکه دیگران را مقصر بدانید و یا در صدد توجیه اشتباهات باشید.

تکرار می کنم تمایل برای اشتباه کردن و درس گرفتن از اشتباهات. شما از هر کسی که ثروتمند، مشهور و موفق شده است در مورد بهای ثروتمند شدن یا موفقیتشان بپرسید به شما خواهد گفت که هیچ روزی را بدون چالش و فشار نگذرانده است و هنوز هم هر روز با چالشها دست و پنجه نرم می کند. هر قدر این تمایل دست و پنجه نرم کردن با مشکلات و چالشها در کسی بیشتر باشد طی مسیر ثروتمندی در زمان کمتر و با نتیجه بهتری همراه خواهد بود. در این مسیر چیزی که می تواند باعث سرعت بخشیدن به طی مسیر شود تلاش برای یادگیری مداوم است. فراموش نکنید که شما با یادگیری مداوم در حال سرمایه گذاری بر روی خودتان هستید و در قبال این سرمایه گذاری ، قدرتمندی و توانگری را برای خود به ارمغان می آورید.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشته باشید ترس است. قبل از ورود به مسیر ثروتمندی ریشه ترسهای افراد با زمانی که گام در مسیر ثروتمندی می گذارید فرق دارند. قبل از گام نهادن در مسیر ثروتمندی ترسها عمدتاً ترس از شکست ، ترس از پیروز نشدن، ترس از ضرر کردن و ترس از سختی و فشار است ولی در مسیر ثروتمندی شرایط تغییر خواهد کرد. وقتی شما قدم در مسیر ثروتمندی می گذارید روابط اجتماعی شما دچار تغییر می شود و هر چه قدرتمندتر و ثروتمند تر شوید حس می کنید اطرافیانان از شما دورتر می شوند و این مسئله اگر بدون آگاهی قبلی شما از مسیر ثروتمندی باشد باعث ترس شما می شود. ترس از انتقاد ، فشار ، اتهام، طرد شدن ، تنهایی و متفاوت بودن و...

شما در مسیر ثروتمندی تحت فشارهایی قرار خواهید گرفت که اکثر مردم از آنها ترس و وحشت دارند و به دلیل این ترس است که هم‌رنگ جماعت می شوند. من هم‌رنگ جماعت شدن را ناشی از ضعف و ترس برای مقابله نکردن با فشارها می دانم. هم‌رنگ جماعت شدن منطقی ضعیف است. اکثر مردم با قرار گرفتن در قشر متوسط و همراهی با غالب مردم احساس امنیت بیشتری دارند تا اینکه مورد انتقاد قرار گیرند و متفاوت زندگی کنند و به همین دلیل افراد بسیار کمی راه خود را از دیگران جدا می کنند و به ثروت دست می یابند. فراموش نکنید متوسط زندگی کردن به مراتب راحت تر و آسان تر از حرکت در مسیر ثروتمندی است.

حال شاید بهتر بتوانید به این سؤال پاسخ دهید. آیا واقعا می خواهید ثروتمند شوید؟

۲

خودشناسی مقدمه ای برای ثروتمندی

اگر از شرایط فعلیتان راضی هستید و یا پرداخت بهای ثروتمندی را برای خود دشوار می بینید و یا توان و انگیزه خود را برای طی مسیر کافی نمی دانید گام نهادن در این مسیر را به شما توصیه نمی کنیم ولی اگر از شرایط فعلی زندگیتان

راضی نیستید و یا می خواهید مسیر زندگیتان را تغییر دهید و موفق و ثروتمند شوید ، تردید را کنار بگذارید و با قدرت و دقت با ما در مسیر ثروتمندی همراه شوید.

من در مورد مسیر ثروتمندی مطالعات خود را در کنار تجربیات خود قرار دادم و به این نتیجه رسیدم که پیش نیاز موفقیت و ثروتمندی "خودشناسی" است. بدون خودشناسی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود نمی توان برنامه ای برای رشد و توسعه شخصی تدوین کرد. شناخت خصوصیات و مهارتها و نقاط قوت و ضعف به شما کمک می کند که مسیر خود را بهتر و با آگاهی بیشتری ترسیم کنید و امکان موفقیت خود را در طی مسیر بیشتر کنید.

با شناخت خود، شما می توانید باورهای محدود کننده خود را شناسائی کرده و با تغییر تدریجی این باورها ، مسیری جدید و متفاوت با گذشته خود ترسیم کنید و در ادامه با تغییر در باورها یتان ، مهارتهائی متناسب با تیپ شخصیتی و توانمندیهای روحیتان را به دست آورید.

شما از هر طریقی که می دانید می توانید نسبت به ابعاد و توانمندیها و کاستیهای روحی خود شناخت پیدا کنید و اگر راهی برای شناخت خود نمی شناسید ما به شما پیشنهاد می کنیم در برنامه هائی که به این منظور در سایت قرار خواهند گرفت شرکت کنید. این برنامه ها ، متشکل از آزمونهای علمی و اثبات شده ای است که در بسیاری از مراکز علمی و تجربی و حتی انتخاب منابع انسانی متناسب با نیاز شغلی در کسب و کارهای بزرگ مورد استفاده قرار می گیرند.

آیا همه می توانند ثروتمند شوند؟

آیا تاکنون یک فرد موفق یا ثروتمند را دیده اید؟ حتما پاسختان مثبت است. آیا از لحاظ ظاهری، آنها تفاوتی با دیگر افراد جامعه دارند یا اینکه مانند همه افراد آنها نیز دارای دست و پا و گوش و چشم و... هستید؟ بدیهی است که اجزاء بدن آنها مانند بقیه انسانها است . پس چرا تعداد معدودی از افراد هر جامعه ثروتمند می شوند و اکثریت هر جامعه در شرایطی متوسط و پائین تر از متوسط زندگی می کنند؟

حتما این سؤال را از خود پرسیده اید. اگر بخواهم به این سؤال در یک جمله جواب دهم به شما بگویم تفاوت بین ثروتمندان و دیگران در نوع نگرشها و باورهای ذهنی آنهاست. بسیاری از افراد ثروتمندان را انسانهائی می دانند که با استفاده از رانتهای سیاسی و اقتصادی، پا گذاشتن بر روی حق دیگران و استثمار آنها، دسترسی به ارثیه هنگفت و توسل به کارهای خلاف و... ثروتمند شده اند.

اینکه برخی از ثروتمندان از این طریق ثروتمند شده اند را انکار نمی کنم ولی همه ثروتمندان این گونه نیستند. من معتقدم اکثر ثروتمندان با استفاده از تلاش و پشتکار و زحمت و نبوغ و پرورش استعدادهایشان به ثروت رسیده اند. طی

آماری که نشریه فوربس از ثروتمندان دنیا منتشر کرد بیش از ۷۵ درصد از مولتی ثروتمندان دنیا از یک زندگی فقیرانه و بدلیل نبوغ و تلاش و پشتکار و پیمودن صحیح مسیر ثروتمندی ثروتمند شده اند. ما باور داریم ثروتمند شدن از مسیری غیر از مسیر سلامت هرگز نمی تواند یک شرایط پایدار و زندگی لذت بخش را برای کسی به ارمغان بیاورد. مسیر ثروتمندی مد نظر ما نیز رشد انسانها در مسیر درست و انسانی است.

پس بهتر است قضاوت و ارزش گذاری بر روی رفتارها و سبک زندگی افراد را کنار بگذاریم و در مسیر ثروتمندی حرکت کنیم.

آیا فکر می کنید زندگی باید آسان باشد و همه نیازهای هر فرد به راحتی باید در دسترس باشند؟ به شما می گویم کسانی که ثروتمند شده اند هرگز چنین نگرشی ندارند. تنها افراد تنبل چنین نگرشی به زندگی دارند و به همین دلیل هیچ وقت ثروتمند نمی شوند.

کسانی که موفق و ثروتمند می شوند بهای موفقیتشان را پرداخته اند و می پردازند. در وجود همه انسانها نبوغ و استعداد های منحصر به فردی وجود دارد. ثروتمندان با شناختی که از خود دارند این استعدادها و نبوغ را شناسائی می کنند و آنها را در وجود خود پرورش می دهند. پرورش این استعدادها بهای ثروتمند شدن آنها است. در دنیا افراد باهوش و نابغه زیادی هستند که انسانهایی موفق و یا ثروتمند نیستند. دلیل این مسئله نیز بیشتر ناشی از عدم شناخت نبوغ و استعدادها و نقاط قوت و ضعفشان است. بنابراین وقتی با چالشهایی در مسیر زندگیشان مواجه می شوند واکنشهایشان باعث دور شدن آنها از مسیر موفقیت و ثروتمندی می شوند. آنها نمی دانند چرا و چگونه باید بهای موفقیتشان را پرداخت کنند.

اگر افراد شناخت و آگاهی صحیحی از خود داشته باشند و نسبت به پرورش استعدادهایشان اقدام کنند دلیلی برای ثروتمند نشدنشان وجود ندارد. به عبارت دیگر همه افراد می توانند ثروتمند شوند به شرطی که بهای آن را پرداخت کنند.

آنچه گفته شد مقدمه ای برای آگاهی شما از مسیر ثروتمندی بود. من معتقدم مسیر ثروتمندی اصولی دارد که تخطی از هر کدام از آنها می تواند منجر به شکست در طی مسیر ثروتمندی خواهد شد. قبل از اینکه به اصول این مسیر بپردازم لازم می دانم نکته ای را برای شما روشن کنم و بعد به اصول مسیر ثروتمندی بپردازم.

موفقیت در مسیر ثروتمندی تضمینی نیست ، ما نمی توانیم موفقیت شما را تضمین کنیم چرا که همه چیز در اختیار شماست. این شماست که باید تصمیم بگیرید وقت، انرژی و توانتان را چگونه و در چه راهی صرف کنید. این شماست که باید بهای مسیر ثروتمندی را بپردازید و این شماست که باید بر ترسهایتان غلبه کنید و با آگاهی و شناخت کافی نسبت

به خود و مسیرتان حرکت کنید. پس اصول مسیر ثروتمندی را همواره به خاطر داشته باشید و با ما در این مسیر حرکت کنید.

۳

اصول مسیر ثروتمندی

اگر خود را لایق زندگی ثروتمندانه می دانید و حاضر به پرداختن هزینه های آن در زندگی هستید ، چند نکته را می بایست با آگاهی و دقت هرچه تمامتر مورد توجه جدی قرار دهید. ممکن است در ذهنتان به دنبال انکار آنها و یا توجیه برای وقوع آن باشید ولی آن را جدی بگیرید.

۱- موفقیت و ثروتمندی یک فرمول مشخصی ندارد

موفقیت و ثروتمندی فرمول مشخصی که بتواند همه را به سوی ثروتمندی ببرد ندارد. ثروت آفرینی برای هر فرد ، متناسب با تیپ شخصیتی ، میزان هوشمندی ، تمرکز، تلاش ، پشتکار ، مداومت و... متفاوت است.

۲- در مسیر ثروتمندی مسئولیت زندگی خود را بطور کامل بپذیرید.

آنچه باعث شده شما امروز در شرایطی باشید که از آن راضی نیستید بعهدہ خودتان بوده و بعد از این نیز بعهدہ خودتان خواهد بود. پس مسئولیت آنچه را که اکنون هستید و آنچه که در آینده خواهید بود را بپذیرید.

۳- شرایط فعلی شما تابع یادگیریها ، آگاهیها ، واکنشها ، باورها و مهارتهای شما تاکنون بوده است

بپذیرید شرایط فعلی شما تابع یادگیریها ، آگاهیها ، واکنشها ، باورها و مهارتهای شما تاکنون بوده است پس برای تغییر در زندگیتان باید متفاوت با آنچه تا امروز می اندیشیده اید و رفتار می کرده اید تغییر کنید.

۴- مسیر ثروتمندی مسیری متفاوت با مسیری که تاکنون در آن حرکت می کردید می باشد.

مسیر ثروتمندی مسیری متفاوت با مسیری که تاکنون در آن حرکت می کردید می باشد. بنابراین می بایست مسیر فعلی زندگیتان را تغییر دهید. این تغییر مسیر باید با تغییر باورها ، ذهنیتها و نگرشهای شما اتفاق بیفتد. عبارت دیگر باورها و عاداتی را که شما سالها با آن زندگی کرده اید را باید بتدریج با باورها و عادات جدیدی جایگزین کنید. این تغییر نیازمند زمان است. نگرشها ، باورها و عادات شما بسیار تدریجی تغییر می کنند بنابراین از تغییر نکردن وضعیتتان در کوتاه مدت دلسرد نشوید و صبور باشید.

۵- در اجرای برنامه ها و تمرینهائی که به شما داده می شود زمان بندی داده شده را به دقت رعایت کنید.

هیچ کس نمی تواند از پله اول به پله آخر جهش کند. می بایست تعلیق و تاخیر لازم برای درک موارد جدید ایجاد شود. بنابراین برای هر بخش طبق برنامه ریزی انجام شده تمرین و مطالعه را انجام دهید تا موجب درک بیشتر شرایط جدید شود.

۶- حرکت در مسیر ثروتمندی هیچ محدودیتی از لحاظ سن، جنسیت، تجربه، تحصیلات، فرهنگ و وضعیت مالی ندارد.

خودتان را محدود نکنید و سعی کنید تمرکز خود را بر روی آنچه مطرح می شود بگذارید.

۷- برای استفاده حداکثری از خود، خود را خوب بشناسید.

شناخت تیپ شخصیتی، شناخت از خصوصیات درونی و بیرونی، تواناییها، مهارتها، علاقمندیهای ذاتی و تطبیق شخصیتتان با مسیری که باید انتخاب کنید می تواند تاثیر به سزائی در پیشرفت شما داشته باشد. لذا چنانچه خودتان این شناخت را در مورد خود دارید در ابتدای مسیر باید آن را مکتوب کنید و چنانچه شناخت کاملی از خصوصیات و ویژگیهای خود ندارید امکان خودشناسی را با بصورت آنلاین در سایت ایجاد خواهیم کرد.

۸- با کسب پیروزیها یا شکستهای مقطعی مسیر را ترک نکنید. این مسیر را تا پایان همراهی کنید.

اغلب افراد معمولاً عزم و همت پیگیری یک موضوع را ندارند و با اولین فشار و سختی و شکست مسیر را ترک می کنند. آنها معمولاً دیگران را مقصر ناکامیهای خود می دانند در حالیکه مقصر واقعی خود آنها هستند.

۹- حرکت در مسیر ثروتمندی با شناخت از خود و تغییر تدریجی در باورها آغاز می شود و به آموزشهای تخصصی متناسب با خصوصیات و ویژگیهای شخصیتی می انجامد.

ما تلاش داریم مسیر را مرحله به مرحله طراحی کنیم. بنابراین ابتدا به خصوصیات درونی مورد نیاز که پیش نیاز هدفگذاریها و برنامه ریزیهای عملیاتی است پرداخته می شود و بعد به مهارتها و نیازهای دانشی پرداخته می شود. تاکید می شود که برای مراحل اول و دوم زمان زیادی را اختصاص دهید چون زیربنای کلیه مراحل است و بدون تسلط بر آنها و تغییر در باورها و نگرشها امکان موفقیت به حداقل می رسد.

۱۰- دفترچه ای را به عنوان دفترچه ثروتمندی اختصاص دهید و به سئوالات و برنامه ها بصورت مکتوب در این دفترچه پاسخ دهید.

چه بسا در پاسخهای مکتوبتان زوایای پنهانی از شخصیتتان آشکار شود که تا قبل از آن ، خودتان از آن آگاهی نداشتید. علاوه بر آن ، استفاده از این دفترچه می تواند تغییرات بوجود آمده در نگرشتان را با مرور هر چند ماه یک بار نشان دهد.

۴

اکنون برای اینکه باورها و اعتقادات خود را در بوته ارزیابی قرار دهید به سئوالات زیر در قالب اولین تمرین مسیر ثروتمندی پاسخ دهید.

تمرین ۱:

- ۱ - به نظر شما مقصر اصلی ناکامیها و نارضایتی شما از زندگی چه کسی است؟
- ۲ - تاکنون چه تلاشهائی برای بهبود شرایط زندگی خود داشته اید؟
- ۳ - آیا تلاشهائیتان باعث موفقیت شما و رضایت شما از زندگیتان شده است؟
- ۴ - اگر پاسختان منفی است فکر می کنید دلیل عدم موفقیت شما چه بوده است؟
- ۵ - چقدر دولت و سیاستهای اقتصادی را در ناکامیها و نارضایتیهای خود مقصر می دانید؟
- ۶ - آیا سعی در شناخت خود کرده اید؟
- ۷ - آیا فکر می کنید توانائیها و مهارتهائیتان برای دستیابی به موفقیت و ثروت کافی است؟
- ۸ - آیا تلاش و فعالیتهائیتان با اشتیاق و انگیزه کافی برای دستیابی به موفقیت بوده است یا صرفا برای رفع تکلیف ؟
- ۹ - به هنگام شکستها و ناکامیها واکنش شما چه بوده است؟
- ۱۰ - تاثیر اطرافیان در واکنش شما به رخدادهای پیرامونتان چقدر بوده است؟
- ۱۱ - آیا تمرکز کافی بر روی کار و مسیر زندگی خود داشته اید و یا حاشیه ها دائما شما را از مسیر خارج کرده اند؟
- ۱۲ - آیا برای موفقیت و ثروتمند شدن منتظر کسی بوده اید تا شما را کمک کند و راه را به شما نشان دهد؟
- ۱۳ - تاکنون چند بار تلاش کرده اید ولی شکست خورده اید؟

۱۴- واکنش شما به شکست‌هایتان چه بوده است؟

۱۵- آیا شکست باعث شده که حرکت‌هایتان را محدود کنید؟

۱۶- آیا از شکست خوردن می‌ترسید؟

پاسخ‌های خود را در دفترچه‌ای که در قسمت قبل عنوان شد یادداشت کنید و با آنچه در ادامه خواهید یافت مقایسه کنید.

۵

چرا می‌خواهید ثروتمند شوید؟

در قسمت اول از مرحله اول مسیر ثروتمندی به این سؤال پرداختیم که آیا می‌خواهید ثروتمند شوید؟ و پاسخ آن ارائه شد. گفتیم که برای ثروتمند شدن باید بهای آن را بپردازید و بهای آن تمایل برای اشتباه کردن و درس گرفتن از اشتباهات است. ضمن اینکه در اشتباه خود نباید متوقف بمانید. آنقدر باید اشتباه کنید تا راه اشتباه نکردن و موفق شدن را یاد بگیرید.

در این قسمت به پاسخ سؤال چرا می‌خواهید ثروتمند شوید؟ می‌پردازیم. چرایی و دلایل ثروتمند شدن بیانگر انگیزه‌های پیدا و پنهان شما برای ثروتمند شدن است که در طول سال‌های عمرتان در وجود شما شکل گرفته است. قبل از اینکه ادامه مطلب را بخوانید ابتدا به سئوالات زیر در دفترچه ثروتمندی خود پاسخ دهید.

تمرین ۲:

۱- اگر از شما بپرسند چرا می‌خواهید ثروتمند شوید چه پاسخی خواهید داد؟

۲- اگر به شما بگویند شما آدم ثروتمندی شده‌اید و مبلغ هنگفتی پول به شما رسیده است به چه چیزی فکر میکنید و چه کاری انجام می‌دهید؟

این موقعیت را برای خودتان تصویر کنید و پاسخ این سؤال را بر اساس تصویرسازی خود در دفترچه ثروتمندی خود بنویسید. تصویرسازی و پاسخ به دو سؤال بالا می‌تواند هدف شما از اینکه می‌خواهید ثروتمند شوید و طرز تفکر شما پس از ثروتمندی را برای شما آشکار کند. دانستن دلیل اینکه می‌خواهید ثروتمند شوید باعث ایجاد انگیزه برای شما در هنگام طی مسیر است. زمانی که شما انرژی و انگیزه‌تان بسیار کم شده و نیاز به انگیزشی دوباره خواهید داشت. بنابراین هر از چند گاهی مجدد به دفترچه ثروتمندیتان رجوع کنید و سئوالات و پاسخها و تاریخ پاسخ خود را مرور کنید.

برای اینکه بدانید ضمیر ناخودآگاه شما چه واکنشهای طبیعی پس از ثروتمند شدن شما نشان خواهد داد، سئوالات زیر را در دفترچه ثروتمندیتان پاسخ دهید.

تمرین ۳:

فرض کنید به طرز شگفت انگیزی پول زیادی بدست آوردید، آیا پس از ثروتمند شدن:

دوستانتان را تغییر می دهید؟

شغلتان را تغییر میدهید؟

اتومبیلتان رو عوض میکنید؟

آیا غذای دیگری را در رستوران میخورید؟

لباس های دیگری میخرید؟

با شخص دیگری ازدواج میکنید؟

آیا به چیز دیگری میخندید؟

عاشق شخص دیگری میشوید؟

پاسخ این سئوالها را در دفترچه ثروتمندی خود یادداشت کنید.

.....

حال با هم پاسخهایتان را بررسی می کنیم. در کدام بخش ها پاسخ شما منفی بود؟

باید به شما تبریک بگویم. شما در بخشهایی که پاسخ منفی دادید ثروتمندید و به هر بخشی که جواب مثبت دادید بخشی است که در آن می توانید ثروتمندتر شوید.

به نظر خودتان چرا در بخشهایی که پاسخ مثبت به سئوالات دادید ثروتمند نیستید؟ به این سئوال راهم به دقت پاسخ دهید.

کمی تامل کنید. ابتدا سئوال را جواب دهید و بعد پاسخ ما را بخوانید.

پاسخ: برای ثروتمند نبودن یک دلیل اصلی وجود دارد و آن این است که ذهن شما برای ثروتمند شدن به خوبی برنامه ریزی نشده است. به عبارت دیگر باورهای شما در مسیر ثروتمندی نیست. باورهای شما زیربنایی ترین دلیل برای موفقیت و ثروتمندی و یا ناکامی و فقر است.

در ادامه مسیر به تعریف باورها و تاثیر آنها و خاستگاه آنها می پردازیم.

۶

چرا باید ثروتمند شویم؟

در دنیای امروز بیش از اینکه نیاز به امنیت شغلی وجود داشته باشد، به امنیت مالی نیاز داریم. تورم موجود در دنیا و اقتصادهای نامتوازن باعث شده هزینه های خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، تفریحات و دیگر هزینه های پیش بینی شده و پیش بینی نشده زندگی، بیشتر از درآمدهای مردم رشد داشته باشند و عملاً زندگی را برای مردم مشکلتر کرده است.

تغییر در معادلات سیاسی و اقتصادی در دنیا و تغییراتی که این معادلات در زندگی مردم ایجاد کرده است در حال حذف تدریجی طبقه متوسط اجتماع است و به این ترتیب ما در آینده ای نه چندان دور طبقه متوسط را نخواهیم داشت و تنها ثروتمندان و فقرا افراد جوامع را تشکیل خواهند داد.

آنچه گفته شد نیاز مبرم به ایجاد امنیت مالی در زندگی را گریز ناپذیر کرده است. نداشتن امنیت مالی و مشکلات مالی موجود در آینده چه بسا بتواند موجب افزایش جنگها و خشونت‌های زیادی شود که به دلیل گسترده شدن فاصله طبقاتی بین افراد فقیر و ثروتمند ایجاد خواهد شد.

درگیرهای قومی، خشونت‌ها و درگیری‌های منطقه ای، تفاوت‌های فرهنگی ناشی از اختلاف طبقاتی و جنگ‌هایی که ممکن است بین کشورها در جهت تامین منافع ایجاد شود خواستگاه‌هایی مالی یا ایدئولوژیک خواهند داشت. در این درگیری‌ها معمولاً آنان که از شرایط مالی بهتری برخوردار باشند به دلیل برخورداری از امکانات و دسترسی به دنیای پیشرفته تر بدون تردید آسیب‌های کمتری می بینند.

بسیاری از مردم روزانه جملات و عباراتی که حاکی از نارضایتی از زندگی است و به دلیل اینکه آنگونه که می خواهند نمی توانند زندگی کنند می گویند و می شنوند.

اگر پول داشتم به دیگران کمک می کردم.

اگر پولدار بودم سرمایه کافی برای عملی کردن ایده هایم داشتم.

اگر پول داشتم حداقل سالی یک بار به خارج از کشور مسافرت می کردم.

دوست دارم دنیا را بگردم ولی پول ندارم!

نمی توانم برای ادامه تحصیل هزینه های دانشگاه را پرداخت کنم.

دوست دارم پسرم در بهترین مدارس درس بخواند ولی از عهده مخارج آن بر نمی آیم.

اگر پول داشتم خانه ای بزرگ می خریدم.

اگر پول داشتم یک ویلای اختصاصی زیبا می خریدم. داشتن یک ویلای اختصاصی در شمال و دیگر نقاط خوش آب و هوای دنیا و گذراندن تعطیلات در آن چه لذتی دارد.

اگر پول داشتم خانواده ام را از فشار مالی خلاص می کردم.

اگر پول داشتم.....

شما هم ممکن است روزانه از این جملات بگوئید و از دیگران بشنوید ولی آیا گفتن و شنیدن این جملات مشکلی را از شما یا دیگران حل می کند و یا فقط انرژی های فکری شما را در مسیری ناصحیح می اندازد و به نوعی خود را در معرض انرژیهای منفی قرار می دهید؟

اکثر افراد جامعه نه فقط در ایران بلکه به باور من در همه دنیا، تغییر در شرایط نابسامان مالیشان را خارج از اراده و توان خود می دانند و گفتن اینگونه جملات معترضه را تسکینی برای رهائی از فشارهای وارده بر خود و بی تقصیر نشان دادن خود از شرایطی که گریبانگیرش هستند می دانند. اکثر این افراد همیشه منتظرند دیگران یا سازمانها و یا دولت شرایطشان را تغییر دهند.

حقوقها چقدر اضافه شده اند؟

چه پاداشی قرار است پرداخت شود؟

یارانه ها چه موقع به حسابها واریز می شوند؟

یک کار پردرآمد برای من سراغ نداری؟

و بسیاری سئوالات از این دست.

آنها حتی برای لحظه ای نمی توانند تصور کنند که خودشان می توانند با تلاش و کوشش و پشتکار بیشتر و بیرون آمدن از پشت دژ امنی که برای خودشان ساخته اند ، پولدارو ثروتمند شوند بدون اینکه مجبور شوند بر آرزوها و خواستههای خود سرپوش بگذارند و یا منتظر باشند دیگری بیاید و مشکلات آنها را حل کند.

ما امروزه چگونه زندگی می کنیم؟

کمی باخود فکر کنیم .امروزه ما چگونه زندگی می کنیم؟ زندگی شهر نشینی اکثر مردم در یک قالب، مرتبا در حال تکرار است. توقعات روز به روز بیشتر می شوند و درآمدها در مقابل هزینه ها کوچکتر می شوند. وقتی به گذشته نگاه می کنیم می بینیم زندگی در زمانهای گذشته نزدیک ، از زندگی امروز ما به مراتب آسانتر ، و توقعات نیز به فراخور زمان خود ، کمتر از امروز بوده است.

برای حل مقطعی مشکلات مالی وامهای مختلف گرفته می شوند و برای خرید کالاهایی که ارزش افزوده ای در زندگی ایجاد نمی کنند و بیشتر به دلیل فخر فروشی خریداری می شوند صرف می شوند. و اقساط این وامها فشار را بیشتر و بیشتر می کنند.

نداشتن آگاهی و دانش لازم برای تسلط بر شرایط زندگی و بودجه بندی صحیح، برنامه ریزی بد مالی برای زندگی، تصمیم گیریهای اشتباه ، صرف پس اندازها برای خرید کالاهای مصرفی ، نداشتن برنامه ریزی برای افزایش درآمدها و توسعه آن ، قانع بودن به حداقل درآمد ، تنبلی ، و افکار و باورهای غلط که همگی ناشی از اسارت در دام دژ امنی است که هر انسانی برای خود ساخته است می باشد. این دژهای خودساخته ذهنی مشکلات بسیار زیادی برای مردم ایجاد کرده است . آنها با تمام وجود به آن عادت کرده اند و هر حرکتی خارج از چارچوب این دژ را برابر نابودی خود می دانند. این دژ ذهنی خود ساخته است که اجازه نمی دهد مردم گام در مسیر ثروتمندی بگذارند در حالیکه بیشترین نیاز جامعه امروز گام گذاشتن در مسیر ثروتمندی و ایجاد امنیت مالی است.

"پول خوشبختی نمی آورد" این جمله را بارها و بارها شنیده ایم و می شنویم. ولی آیا جمله " بی پولی بدبختی می آورد " را نیز شنیده اید؟ به اعتقاد من جمله پول خوشبختی نمی آورد هم از آن دست جملاتی است که انسانها برای توجیه مشکلات مالی خود به آن متوسل می شوند. همه ما می دانیم که لذت بردن از لذتهای دنیا و افزایش حق انتخاب در زندگی بدون پول امکان پذیر نیست. درآمد های کم و بخور و نمیر در زندگی تنها باعث زنده ماندن می شود و نه زندگی کردن. و این نوع زندگی کردن نه تنها موجب ایجاد احساس خوشبختی نمی شود بلکه دقیقا باعث ایجاد احساس بدبختی در افراد می کند.

همه ما می دانیم امروزه برای بسیاری از افراد ، دیگر داشتن یک شغل (درآمد) جوابگوی هزینه های یک زندگی متوسط نیست بنابراین زمانی که باید صرف استراحت و به همراه خانواده بودن و یا تفریح بشود صرف انجام کارهای دیگری می شود تنها به این منظور که درآمدها و هزینه ها تا حد امکان همخوانی پیدا کنند.

زندگی عملاً فقط و فقط به کارکردن اختصاص می یابد ، ذهنها دائماً درگیر حل معادلات درآمدها و هزینه هاست. چهره ها عبوس و نگرانی و ناچاری را می توان از خطوط چهره ها فهمید . گذر زمان و زندگی، تصاویر و افکار تکراری. روزی به خود می آیند که عمرشان سپری شده است ولی توشه ای نه برای خود بلکه برای فرزندان هم وجود ندارد.

این زندگی غالب جامعه امروز ماست که برای اکثر افراد جامعه دائماً در حال تکرار و تکرار است.

با این ترتیب عملاً فرصتی برای زندگی و یادگیری نکاتی که می تواند زندگی را تغییر دهد و حتی کمی حرکت در خارج از کلیشه های ذهنی وجود نخواهد داشت.

۷

شاید بهتر باشد همه ما سؤال زیر را در ابتدای جوانی از خود بپرسیم و برای آن پاسخی صحیح پیدا کنیم. بنابراین برای اینکه تکلیفتان را با خودتان روشن کنید پاسخ به این سؤال را همین الان شما هم در دفترچه ثروتمندیتان به عنوان یک تمرین پاسخ دهید:

شما زندگی می کنید تا کار کنید و یا کار می کنید تا زندگی کنید؟

پاسخ شما به این سؤال بیانگر نگرش ضمیر ناخود آگاه شما به زندگی، کار و ارزشی است که برای خودتان و زندگیتان قائل هستید.

این دو دقیقاً در نقطه مقابل همدیگر قرار دارند. فقرا کار می کنند تا زندگی کنند و... و این نکته را به خاطر بسپارید که این یک انتخاب است نه اجبار!

قانون پارکینسون

مهم نیست در چه شغلی هستید و چقدر درآمد دارید چون طبق قانون پارکینسون هزینه ها بدون استثنا آنقدر بالا می روند تا با درآمد ها یکسان شوند!!! هر چه درآمدها بیشتر باشد بیشتر خرج می کنید و همچنان در موقعیت قبلی خود باقی می مانید و زمانیکه درآمدهای شما کاهش می یابد شما قادر به کاهش هزینه های خود نیستید.

بنابراین باید از دام قانون پارکینسون رهائی یابید. رهائی یافتن از قانون پارکینسون جز با طی مسیر ثروتمندی و ثروتمند شدن امکان پذیر نیست.

اگر میخواهید تا حد امکان آن گونه که می خواهید زندگی کنید، نه آنگونه که شرایط پیرامون شما برای شما تعیین می کند، چاره ای جز اینکه ثروتمند شوید ندارید. این بحث شامل کسانی که شرایط موجودشان را پذیرفته اند و تابع ضرب المثل " هر چه پیش آید خوش آید " هستند و باری به هر جهت زندگی می کنند نمی شود اگر چه آنها هم نیاز زیادی به امنیت مالی دارند.

نباید فراموش کنیم که ما یک بار بیشتر زندگی نمی کنیم. در دنیا لذتها و تفریحات زیادی وجود دارد که ما می توانیم از آنها استفاده کنیم ولی باید این شرایط و امکانات استفاده از آنها را مانند بسیاری از کسانی که توانسته اند شرایط را تحت کنترل خود درآورند، برای خود ایجاد کنیم.

ترک دژهای قدرتمند ذهنی و ورود به دنیای جدید

همه ما در ذهن و فکر خود دژهای قدرتمندی داریم که در طی سالیان عمرمان با شنیده ها، آموخته ها و دیده ها و تلقین ها در ذهن ناخودآگاهمان ساخته ایم و پذیرش هر چیزی خارج از آن چه در این دژ وجود دارد بسیار سخت است. اغلب انسانها با قدرت و تعصب زیادی از داشته های دژ ذهنی خود حمایت می کنند و بر عمل کردن در چارچوب داشته های این دژهای خود ساخته ذهنی پافشاری می کنند. این دژهای خودساخته ذهنی، همان باورهای ما هستند.

مردم در برابر انتقاداتی که از باورهایشان صورت می گیرد به شدت دفاع می کنند و در عمل خود را توجیه می کنند. دژهای خود ساخته هیچ دوفنری مانند هم نیستند چون مسیر طی شده هیچ دوفنری در زندگی مانند هم نیست ولی واکنشهای حاصل از ارزیابی های این دژهای خود ساخته ذهنی می تواند بسیار به هم نزدیک و شبیه باشند. فقط باورها ی ذهنی هستند که می توانند موفقیت یا شکست کسی را مشخص کنند.

اگر من را از کار اخراج کنند باید چکار کنم؟ چگونه هزینه های زندگی خود و اقساط بانک را پرداخت کنم؟

اگر شغل دیگری به دست نیآورم باید چه کار کنم؟ چگونه مخارج خود را مدیریت کنم؟ حتما باید یک کار دیگری که امنیت شغلی داشته باشد پیدا کنم و بسیاری از سئوالات و افکاری از این دست.

هر فردی خارج شدن از این دژ ذهنی خود را تهدید بزرگی در زندگیش می داند چرا که زمان زیادی را با این باورها زندگی کرده است و هر گونه تغییر در این چارچوبها می تواند تعادل ذهنی را به هم بزند در حالیکه نگاه هوشمندانه و

متفاوت به این احساس تهدید، می تواند فرصتهای نابی را در زندگی ایجاد کند. هرگونه تغییر در این باورها نیز معمولاً به تدریج و به کندی و با افزایش دانش و آگاهی اتفاق می افتد.

با نگاهی متفاوت هر تهدیدی را می توان به فرصت تبدیل کرد.

شاید داستان آن آبدارچی که برای استخدام در شرکت مایکروسافت مراجعه کرده بود را شنیده باشید ولی مرور چند باره آن نیز می تواند نکته ای جدید برای یادگیری داشته باشد بنابراین این داستان را دوباره بخوانید.

"مرد بیکاری برای سِمَتِ آبدارچی در مایکروسافت تقاضا داد. رئیس هیئت مدیره با او مصاحبه کرد و تمیز کردن زمینش رو - به عنوان نمونه کار - دید و گفت: «شما استخدام شدین، آدرس ایمیلتون رو بدین تا فرمهای مربوطه رو واسه تون بفرستم تا پر کنین و همینطور تاریخی که باید کار رو شروع کنین...»

مرد جواب داد: «اما من کامپیوتر ندارم، ایمیل هم ندارم!»

رئیس هیئت مدیره گفت: «متأسفم. اگه ایمیل ندارین، یعنی شما وجود خارجی ندارین. و کسی که وجود خارجی نداره، شغل هم نمیتونه داشته باشه.»

مرد در کمال نومیادی اونجا رو ترک کرد. نمیدونست با تنها ۱۰ دلاری که در جیبش داشت چه کار کنه. تصمیم گرفت به سوپرمارکتی بره و یک صندوق ۱۰ کیلویی گوجه فرنگی بخره. یعد خونه به خونه گشت و گوجه فرنگیها رو فروخت. در کمتر از دو ساعت، توانست سرمایه اش رو دو برابر کنه. این عمل رو سه بار تکرار کرد و با ۶۰ دلار به خونه برگشت. مرد فهمید میتونه به این طریق زندگیش رو بگذرونه و شروع کرد به این که هر روز زودتر بره و دیرتر برگرده خونه. در نتیجه پولش هر روز دو یا سه برابر میشد. به زودی یه گاری خرید، بعد یه کامیون و به زودی ناوگان خودش رو در خط ترانزیت (پخش محصولات) داشت...

پنج سال بعد، مرد دیگه یکی از بزرگترین خرده فروشان امریکا شد. شروع کرد تا برای آینده خانواده اش برنامه ریزی کنه و تصمیم گرفت بیمه عمر بگیره. به یه نمایندگی بیمه زنگ زد و سرویسی رو انتخاب کرد. وقتی صحبتشون به نتیجه رسید، نماینده بیمه از آدرس ایمیل مرد پرسید. مرد جواب داد: «من ایمیل ندارم.»

نماینده بیمه با کنجکاوی پرسید: «شما ایمیل ندارین، ولی با این حال تونستین یک امپراطوری در شغل خودتون به وجود بیارین.. میتونین فکر کنین به کجاها میرسیدین اگه یه ایمیل هم داشتین؟» مرد برای مدتی فکر کرد و گفت:

آره! احتمالاً میشدم یه آبدارچی در شرکت مایکروسافت!"

شاید این داستان واقعی نباشد ولی واقعیت همین است که خارج شدن از دژهای بزرگ ذهنی خودساخته و تغییر در آنچه بارها و بارها تکرار کرده اید، می تواند تحولات بزرگی را در زندگیتان رقم بزند به شرط اینکه عزم و جرات ترک دژهای ذهنی خود را داشته باشید و به گونه ای متفاوت به پیرامونتان نگاه کنید و رویاهای بزرگ دیگری را جایگزین رویاهای کوچک قبلی خود کنید.

نگرشی متفاوت با آنچه همیشه داشته اید نتایجی متفاوت از آنچه به دست آورده اید برایتان ایجاد خواهد کرد. همیشه تنها راه کسب درآمد پیدا کردن یک موقعیت استخدامی نیست. همیشه موفق شدن در زندگی درس خواندن در بهترین مدارس و دانشگاههای کشور نیست. موفق شدن و ثروتمندی یک راز دیگر دارد که در یک کلمه به آن "خلق ارزش" می گویم و در آینده به آن بیشتر می پردازم. باید بپذیریم همیشه آن باوری که به نظر ما صحیح و جزء بدیهیات است، ممکن است آنگونه که فکر می کنیم نباشد. همیشه درصدی را برای اشتباه بودن تفکرها و باور خود بگذارید شاید مسائل آن گونه که ما فکر می کنیم، قضاوت می کنیم، مطرح می کنیم و بروی آن پافشاری می کنیم، نباشد.

۸

باورها و نقش آنها در زندگی

شاید نتایج تحقیقی که در دانشگاه هاروارد در خصوص میزان قدرت باورها انجام شد را خوانده باشید. در این قسمت خواندن مجدد نتایج این تحقیق خالی از لطف نیست.

دانشمندان برای بررسی تعیین میزان قدرت باورها بر کیفیت زندگی انسانها آزمایشی را در « دانشگاه هاروارد » انجام دادند:

۸۰ پیرمرد و ۸۰ پیرزن را انتخاب کردند. یک شهرک را به دور از هیاهو مطابق ۴۰ سال پیش ساختند. غذاهای ۴۰ سال پیش در این شهرک پخته میشد. خط روی شیشه های مغازه ها، فرم مبلمان، آهنگها، فیلم های قدیمی، اخباری که از رادیو و تلویزیون پخش میشد، را مطابق با ۴۰ سال قبل ساختند. بعد این ۱۶۰ نفر را از هر نظر آزمایش کردند:

تعداد موی سر، رنگ موی سر، نوع استخوان، خمیدگی بدن، لرزش دستها، لرزش صدا، میزان فشار خون ... بعد این ۱۶۰ نفر را به داخل این شهرک بردند، بعد از گذشت ۵ الی ۶ ماه کم کم پشتشان صاف شد، راست می ایستادند، لرزش دستها بطور ناخودآگاه از بین رفت، لرزش صدا خوب شد، ضربان قلب مثل افراد جوان، رنگ موهای سر شروع به مشکی شدن کرد، چین و چروکهای دست و صورت از بین رفت.

علت چه بود؟

خیلی ساده است. آنها چون مطابق با ۴۰ سال پیش زندگی کردند، باور کرده بودند ۴۰ سال جوانتر شده اند.

باور این تحقیق کمی سخت است؟ ولی باید گفت که این تحقیق واقعیت دارد و نشان دهنده ((قدرت باور)) در انسان است. این نکته طلائی را همیشه مد نظر قرار دهید که:

انسانها همان گونه که باور داشته باشند می توانند بیندیشند. باورهای آدمی است که در هر لحظه به او القا میکند که چگونه بیندیشد.

اصولاً فرق بین انسانها، فرق میان باورهای آنان است. انسانهای موفق با باورهای عالی، موفقیت را برای خود خلق میکنند. انسانهای ثروتمند، باورهای عالی و ثروت آفرین دارند که با اعتماد به نفس عالی خود و بدون توجه به تمام مسائل به دنبال کسب ثروت میروند و به لحاظ باورهای مثبتشان به ثروت مطلوب خود میرسند. باور بهترین بودن، باعث بهترین بودن می شود. باور اینکه می توانید موفق شوید باعث موفقیت شما می شود.

قانون زندگی قانون باورهاست. باورهای عالی سرچشمه همه موفقیت‌های بزرگ است.

انسانها هر آنچه را که باور دارند خلق میکنند. باورهای شما دستاوردهای شما را در زندگی میسازند. زیرا باورها تعیین کننده کیفیت اندیشه ها، اندیشه ها عامل اولیه اقدامها و اقدامها عامل اصلی دستاوردها هستند. به عبارت دیگر میزان توانمندی یک انسان را باورهای او تعیین می کند.

انیشتین می گفت: « آنچه در مغزتان می گذرد، جهانتان را می آفریند ».

استفان کاوی (از سرشناسترین چهره‌های علم موفقیت) احتمالاً با الهام از همین حرف انیشتین است که می گوید: « اگر می خواهید در زندگی و روابط شخصی‌تان تغییرات جزیی به وجود آورید به گرایش‌ها و رفتارهای خود توجه کنید؛ اما اگر دلتان می‌خواهد قدم‌های کوانتومی بردارید و تغییرات اساسی در زندگی‌تان ایجاد کنید باید نگرش‌ها و برداشت‌هایتان را عوض کنید».

کلید یا راه حل هر مسئله‌ای این است که به شیشه‌های عینکی که به چشم داریم بنگریم؛ شاید هر از گاه لازم باشد که رنگ آنها را عوض کنیم و در واقع برداشت یا نقش خودمان را تغییر بدهیم تا بتوانیم هر وضعیتی را از دیدگاه تازه‌ای ببینیم و تفسیر کنیم. به خاطر داشته باشیم که: آنچه اهمیت دارد خود واقعه نیست بلکه تعبیر و تفسیر ما از آن است.

و نکته دیگر که پیشنهاد می‌کنم همیشه به خاطر داشته باشید: چیزهایی که اکثر مردم باوردارند به درد نمی‌خورند و شاید هیچ وقت هم به درد نخورده است. تلاش کنید چیزهایی را باور کنید که شما را به سمت موفقیت و ثروتمندی سوق دهد. طی مسیر ثروتمندی بدون ایجاد باورهای ثروتمندی امکان پذیر نیست.

در قسمت بعد به نحوه شکل‌گیری باورها می‌پردازیم.

۹

شکل‌گیری باورها

برخی از روان‌شناسان اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که «باورها سه ریشه اصلی دارند: تجربه شخصی، اطلاعات حاصل از دیگران و نتیجه‌گیری از آنچه استنباط می‌کنیم، حتی ممکن است باورها محصول همزمان این سه منبع باشند. مثلاً، ممکن است شخصی نوار جدید آقای X را خیلی خوب توصیف کند زیرا شخصاً به آن گوش داده است. همچنین نوار مزبور ممکن است به این علت خیلی خوب به نظر برسد که فردی مورد اعتماد آن را تعریف کند یا در روزنامه‌ها راجع به آن مطالب مثبت زیادی نوشته شده باشد. در حالت اخیر، باور شخص بر اطلاعات حاصل از دیگران استوار خواهد بود ولی این باور در فرد شکل گرفته است.

خانواده، محیط زندگی، مدرسه و دانشگاه، محیط کار و اطرافیان (بخصوص اطرافیان قابل اعتماد) می‌توانند در شکل‌گیری باورهای یک فرد تاثیر زیادی بگذارند. اکنون قصد آن را نداریم که باورها را ارزش‌گذاری کنیم ولی این موضوع محوری را باید همیشه مد نظر قرار دهیم که باور فقط طرز تلقی ما از رخداد، فرد یا محل است و ممکن است وجود خارجی نداشته باشد ولی تعیین‌کننده موفقیت یا شکست ما باشد.

باورها در ضمیر ناخودآگاه شکل می‌گیرند و این ضمیر ناخودآگاه بدلیل اینکه قدرت تشخیص بین خوب و بد و صحیح و غلط و هیچگونه قضاوت دیگر را ندارد، می‌توان با استفاده از روشهایی نسبت به تقویت و اثرگذاری مثبت بر آن اقدام کرد.

کافی است ضمیر ناخودآگاه شما بپذیرد که شما می‌توانید ثروتمند شوید و برنامه ریزیها و کسب مهارت‌های لازم صورت پذیرد شما در مسیر ثروتمندی، به یک ثروتمند تبدیل می‌شوید.

البته قانع کردن ضمیر ناخودآگاه به اینکه شما تواناییها و مهارت‌های لازم برای ثروتمند شدن دارا هستید کار ساده و راحتی نیست ولی امکان پذیر است. تمرین و برنامه ریزی در این خصوص مبنای کار ما در مسیر ثروتمندی خواهد بود.

تصویر ما از خودمان

همه ما تصویری از خودمان داریم، تصویری از نقاط قوت و ضعف، توانایی‌ها، ارزشمندی و ارتباط مان با افراد دیگر. معمولاً خودمان را با این تصویر می‌شناسیم، برای مثال اگر در تصویر ذهنی خودمان، آدم زشتی باشیم، هر گونه تعریف از جانب دیگران را قبول نمی‌کنیم یا ممکن است این تعریف را به حساب دلسوزی آن‌ها بگذاریم. این تصویر از باورهای ما نشأت می‌گیرد.

باورها مفاهیمی اصلی هستند که بر اساس آن‌ها زندگی می‌کنیم. باورها در حقیقت هویت ما و تعیین‌کننده جنبه عاطفی زندگی و چگونگی احساس مان نسبت به خودمان می‌باشند. آن‌ها همه چیز زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهند؛ از انتخاب همسر گرفته تا لذت بردن از یک روز پاییزی.

تصویری که هر کس از خودش دارد، به روشنی پایه و اساس اکثر تصمیم‌گیری‌های شخصی وی است. وقتی تصویر شما از خودتان پر از عیب و نقص است، پیامی که به شما می‌دهد این است که شایستگی هیچ موفقیتی را ندارید؛ ولی اگر تصویرتان جذاب و سرشار از قدرت و اطمینان است، دنیا در نظر شما خوشایندتر و دستیابی به آرزوها امکان پذیرتر خواهد بود.

۱۰

تصویری که هر کس از خودش دارد، به روشنی پایه و اساس اکثر تصمیم‌گیری‌های شخصی او است. وقتی تصویر شما از خودتان پر از عیب و نقص است، پیامی که به شما می‌دهد این است که شایستگی هیچ موفقیتی را ندارید؛ ولی اگر تصویرتان جذاب و سرشار از قدرت و اطمینان است، دنیا در نظر شما خوشایندتر و دستیابی به آرزوها امکان پذیرتر خواهد بود.

در بسیاری از موارد آنچه ذهنمان می‌گوید حقیقت نیست. آنچه ذهنمان می‌گوید بزرگترین مانع در راه رسیدن به موفقیت است. شما باید بتوانید افکار خود را انتخاب کنید. به عبارت دیگر باید بتوانید مانع ظهور افکار منفی شوید. شما باید بتوانید تمام افکاری که در جهت قدرت دادن به نگرش ثروتمند شدن شما نیستند را دور بریزید و سریع آنها را فراموش کنید.

مانع ما در راه پیشرفت، ندانستن نیست، بلکه بزرگترین مانع این است که موردی را بدانیم ولی حقیقت آن گونه نباشد که ما فکر می‌کنیم. جاش بیلینگز

اکنون نگاهی به افکار خود بیندازید. اگر می خواهید یک پله در زندگی خود بالاتر بروید ، باید اراده رفتن و ترک افکار قدیمی را پیدا کرده و افکار جدیدی را بپذیرید. نتایج به شما نشان می دهند که چه کرده اید.

تصویر پول در ذهن

برای به دست آوردن پول ، ابزارها و قانونهای زیادی وجود دارد. آگاهی در مورد اطلاعات مالی و تجاری، مدیریت مالی شخصی، روشهای سرمایه گذاری ، ساخت و ساز ، خرید و فروش ، تولید و... ابزار ما برای پول درآوردن هستند . ولی ابزارهای ثروتمندی ، فقط آنچه که گفته شد نیستند.

اینها تنها ابزارهای بیرونی ما برای طی مسیر ثروتمندی هستند در حالیکه شما ابزارهای قویتری برای رسیدن به ثروت دارید که ابزارهای درونی شما هستند. در درون همه ما ابزارها و قانونهایی برای به دست آوردن پول وجود دارد که معمولاً به آنها توجه نمی کنیم.

ابزارهای درونی ما مهارتهای ما ، برای چگونگی استفاده کردن از این ابزارهای بیرونی هستند. آگاهی داشتن از ابزارهای بیرونی خوب و مدرن تنها زمانی به کار می آیند که مهارت لازم برای کار با این ابزار وجود داشته باشد.

ابزارهای درونی ما ، شخصیت ، نحوه تفکر و اعتقادات ما هستند. تا زمانی که این ابزارها به خوبی ساخته و پرداخته نشوند ابزارهای بیرونی نمی توانند شما را به ثروت و موفقیت برسانند.

به عبارت دیگر اگر به پول زیادی دست یابید ولی از نظر درونی آمادگی آن را نداشته باشید فرصتهای ثروتمند شدن کوتاه بوده و آن را از دست خواهید داد.

پایان مرحله اول

شروع مرحله دوم